

تبیینی جدید از تقسیم معقولات

مبتنی بر حکمت متعالیه

*
سید احمد غفاری قره‌باغ

استادیار مؤسسه حکمت و فلسفه ایران

و مباحث فلسفی، حضور واضح خواهد داشت و سبب ایجاد ساختار جدیدی برای این علم خواهد شد؛ چراکه تنها عامل تفرقه مکتبها و نحله‌های مرتبط با یک علم، استفاده از مبانی متفاوت و مبادی تصدیقی متمایز است! در فلسفه مشاء و فلسفه اشراق، تقدم هستی‌شناختی ماهیت بر وجود، حاکم بر استنتاجات فلسفی است.

*.Email: yarazegh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۳ تاریخ تأیید: ۹۳/۱۰/۲۴
۱. اینکه در یک بیان رایج گفته میشود حکمت‌های مشاء، اشراق و حکمت متعالیه بدلیل تفاوت در استفاده از عقل و شهود و وحی از هم متمایز میشوند بنظر صحیح نمی‌نماید، چراکه اگر مراد از بهره‌گیری از شهود و وحی در فلسفه استفاده از آنها در اثبات یک نظریه فلسفی بوده باشد، پر واضح است این امر باعث گسست فلسفیدن خواهد بود؛ چراکه اصولاً دانش فلسفه متکی به عقل و رهیافتهای عقلی است.

ممکن است که مراد از استفاده از شهود و وحی در فلسفه نه بمعنی استفاده بجای استدلال عقلی بلکه بمعنی طرح مسئله توسط شهود یا وحی؛ تأثیر در اقامه برهان بصورت الهامبخشی برای اقامه برهان؛ پیشنهاد برهان؛ لقاء برهان؛ تأثیر در هدایت و اطمینان بخشی یا تأثیر در کشف مغالطه استدلال بوده باشد (عبودیت، درآمدی بر نظام حکمت صدرایی، ج ۱، ص ۶۵-۶۴). لیکن این سخن نیز نمیتواند ملاک تفرقه بین حکمت‌های سه‌گانه باشد، چراکه سخنی بسیار نادرست خواهد بود که بگوییم فلاسفه مشاء، استفاده از وحی و شهود را در این اندازه‌ها ممنوع نمایند بلکه بالعکس در برهان صدیقین ابن‌سینا، شاهد حضور جدی آیه وحیانی در الهامبخشی برهان صدیقین هستیم (ابن‌سینا، الاشارات والتنبیها، ج ۳، ص ۶۶).

چکیده

بررسی جایگاه مفاهیم و نحوه تعامل ذهن و عین از مباحث مهم در عرصه معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی تلقی میگردد. مبحث معقولات - اولی و ثانوی - و تمایز میان آنها نیز در همین راستا قرار دارد. دیدگاه رایج درباره تمایز و فرق معقول اول و ثانی به این صورت است که معقولات اولی - بخلاف معقولات ثانی منطقی و فلسفی - مصداق خارجی دارند. مقاله حاضر معیار مصداق‌داری در خارج را برای تفرقه بین معقولات اولی و ثانیه ناکافی دانسته و در عوض، نقش نظریه اصالت وجود را مهم و تأثیرگذار ارزیابی مینماید.

کلیدواژگان

معقول اول
مصداق‌داری
مفاهیم فلسفی
اصالت وجود

مقدمه

بنظر میرسد شناخت «اصل در تحقق» میتواند نتایج شگفت‌آوری را در فلسفه ببار آورد و حتی باعث تأسیس مکتب جدیدی در مباحث فلسفی گردد. این امر، جزو مبانی دانش فلسفه محسوب میگردد و در همه استدلالها